



علیخانی در تابستان ۸۳ به برنامه نوجوانانه، پسرای ابرونی که از شبکه یک سیمای پخش می‌شد، رفت. در این برنامه او در نقش یک مصاحبه‌گر به خیابان‌ها می‌رفت و سوالاتی می‌پرسید. بعد از این برنامه او به شبکه سه رفت و در برنامه صبحگاهی به عنوان مجری ظاهر شد. حضور در برنامه ماه عسل اما اوچ کارنامه او بود

برنامه‌سازان تلویزیون، چطور برنامه‌ساز شدند؟

# شاید برای شما هم اتفاق بیفتد!

امروز که تلویزیون را روشن می‌کنیم، توی هر ده، دوازده شبکه تلویزیونی، یک مجری و یک برنامه‌ساز دیده می‌شود. بیست، سی سال پیش اما این طور نبود. پیچ تلویزیون را که می‌چرخانید و نور می‌افتاد توی تلویزیون، یکی، دو کانال تلویزیونی بود و یک سری برنامه‌ساز محدود. کسانی که در همان یکی، دو ساعت برنامه‌شان، تمام خوشی روزمان را می‌ساختند، اما سوال اینجاست که آنها چه طور وارد صدا و سیما شده‌اند؟ خیلی هایشان را دست تقدیر برنامه‌ساز کرد. البته دست تقدیر هنوز هم اثر گذار است و همانطور که در بخش‌های قبلی گفتیم راه‌های متنوعی برای ورود به تلویزیون وجود دارد. در این گزارش با نحوه ورود چند مجری و برنامه‌ساز مهم تلویزیون آشنا می‌شویم.

لیلا شوقی  
خبرنگار

## احسان علیخانی



همه او را با برنامه ماه عسل می‌شناسند و به سلطان اشک معروف است! هرچند که در بسیاری از کارهای مناسبتی‌اش سعی کرده تا این لقب را از بین ببرد، اما ظاهراً موفق نشده، باز هم اشک همه درآمده است. آن زمان که ۱۸ ساله بود و داشت برای کنکور انتخاب رشته می‌کرد، برنامه‌سازی، اولویت اول او نبود، به خاطر همین هم مهندسی بازرگانی خواند. بعدها اما به باشگاه مهرورزان جوان رفت و در آنجا، تیزر سازی، اصول تبلیغات و برنامه‌سازی را یاد گرفت. در تابستان ۸۳ و در همین باشگاه هم به برنامه نوجوانانه، «پسرای ابرونی» که از شبکه یک سیمای پخش می‌شد، رفت. در این برنامه او در نقش یک مصاحبه‌گر به خیابان‌ها می‌رفت و سوالاتی می‌پرسید. بعد از این برنامه او به شبکه سه رفت و در برنامه صبحگاهی به عنوان مجری ظاهر شد. حضور در برنامه ماه عسل اما اوچ کارنامه او بود. پیش از این اما علیخانی، در سال ۸۰ در سریال پرونده‌های مجهول، به کارگردانی جمال شورجه، نقش کوتاهی داشت. در آن زمان او به عنوان دستیار تولید و عوامل پشت صحنه کار می‌کرد. هرچند که علیخانی بارها گفته که به کارگردانی و بازیگری، به عنوان شغل دوم نگاه می‌کرده، حالا اما، مستند سازی، مجری‌گری و برنامه‌سازی، تبدیل به اولین انتخاب‌های او شده‌اند.

## الهه رضایی



تکه کلامش «برید عقب‌تر، باز هم عقب‌تر» بود. خیلی از بچه‌های دهه ۶۰ و ۷۰، با همین تکه کلام، کلی خاطره دارند. رضایی، با یک درخواست ساده، مجری تلویزیون شد. خودش که تعریف می‌کند در اردیبهشت یا خرداد سال ۵۸، زیر نویس تلویزیون را می‌بیند. آن زمان تلویزیون درخواست داده بود تا در برنامه کودکان از مجریان کم‌سن و نوجوان استفاده کند. همین می‌شود که رضایی هم به همراه دوستش برای تست اجرا، به تلویزیون می‌رود. رضایی در اجرا قبول شده و می‌شود مجری بچه‌ها. آن زمان او تازه ۱۶ سال داشته است. الهه ۱۶ ساله، برای ماهی ۱۲ جلسه اجرا، حقوق ۱۲۰۰ تومانی می‌گرفت، یعنی برای هر اجرا، صد تومان به او حقوق می‌دادند. او تا شش سال به همین شیوه کار کرد تا در سال ۶۴، در نهایت به استخدام صدا و سیما درآمد. سال ۱۳۸۷ هم بازنشسته شد تا به دل مشغولی دیگری، یعنی اداره مهدکودکش برسد.

## سیاوش صفاریان‌پور

حتی اگر کسی حال و حوصله برنامه‌های علمی را نداشته باشد، می‌تواند برای برنامه صفاریان‌پور وقت بگذارد و از این وقت‌گذرانی هم لذت ببرد. سیاوش و محمد فواد، دو قلوهای برنامه‌ساز، در بهار سال ۱۳۷۶، بعد از ظهور ستاره دنباله‌دار هیل پاپ، در صدا و سیما ظاهر شدند.

ماجرای مانند ظهور ستاره دنباله‌دار خیلی عجیب نبود. هر دو به ساختمان صدا و سیما رفتند، اما این دو قلو بودنشان، باعث شد تا به ساختمان راه پیدا کنند و در همین جا هم بود که تقاضای ساخت برنامه درباره این ستاره دنباله‌دار را به مدیران شبکه دو پیشنهاد دادند. مدیران شبکه ده دقیقه‌ای به آن‌ها وقت دادند تا درباره طرحشان صحبت کنند.



رضایت در همین ده دقیقه حاصل شد و استقبال از برنامه باعث شد تا راه برای ساخت برنامه‌های دیگر به وجود بیاید. سیاوش اما خود در دانشگاه کارگردانی خوانده و علاقه او به نجوم هم به ۱۵ سالگی برمی‌گردد. همه این‌ها باعث شد تا نتیجه برنامه‌سازی در حوزه علم و نجوم باشد. ماجرای مجری شدن او از همه جالب‌تر است. در برنامه آسمان شب که یک برنامه علمی بود و از شبکه چهار سیمای پخش می‌شد، آنها هر چه گشتند، نتوانستند یک مجری پیدا کنند. همین شد تا سیاوش خود در قالب یک مجری دست به کار شود. محمد فواد و سیاوش، هر دو برای اولین بار در برنامه پارک ملت شبکه دو ظاهر شدند و دیده‌شدنشان به وسیله مخاطب عام هم در این برنامه بود.

## محمد شهیدی‌فر



شهیدی‌فر بیش از این که در تلویزیون شناخته شده باشد، در رادیو، شناخته شده است. او کارش را هم از رادیو شروع کرد. آن زمانی که نوجوان بود. داستان ورود او به رادیو جالب است. خودش تعریف می‌کند: «من مسؤول انجمن اسلامی مدرسه‌مان بودم و طبیعتاً سر صف چیزهایی می‌خواندم. انشا‌هایم هم همیشه ۲۰ بود. چیزهای مشترکی که همه‌مان داریم. یک روز معلم پرورشی‌مان گفت بروید رادیو مشهد. فکر کردم قرار است مصاحبه‌ای درباره انجمن اسلامی مدرسه انجام شود.

رفتم آنجا، یک آقایی کاغذی را داد و گفت: این را بخوان تمرین کن تا در استودیو ضبط کنیم... رویم هم نمی‌شد بپرسم برای چیست. خلاصه وقتی رفتم استودیو دیدم آقای آقا آفرین آنجا نشسته‌اند. بعد ایشان اولین تست صدا را از من گرفت.» همین به اولین ورود او به رادیو تبدیل می‌شود. بعد از آن، او دو سه بار در هفته، بعد از مدرسه به رادیو می‌رفت و گویندگی می‌کرد. به جز گویندگی به مرور زمان، کارگزارشگری و نویسندگی هم به مسؤولیت‌هایش اضافه شد. سال ۱۳۶۸، بعد از قبولی

در دانشکده سینما و تئاتر دانشگاه هنر قبول و از شهرش، مشهد به تهران آمد. همان زمان در گروه‌های ادب و هنر و اجتماعی رادیو هم همکاری کرد. او اما فعالیت در تلویزیون را در سال ۱۳۷۰ و با برنامه تا هشت و نیم، شروع و بعد با مردم ایران سلام و پارک ملت ادامه پیدا کرد.